



علم بهتر است یا مهارت؟!



دکتر حسن ملکی

مجله‌هایی که در طول سال تحصیلی، هر ماه آماده می‌شوند و به دست شما می‌رسند، در «دفتر انتشارات و فناوری آموزشی»، توسط ما و همکارانمان با کار و تلاش فراوان تولید می‌شوند. این دفتر بخشی از سازمانی بزرگ به نام «سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی» است؛ یعنی همان جایی که کتاب‌های درسی شما توسط بهترین نویسندگان تألیف می‌شوند. در این شماره به سراغ ریاست این سازمان، یعنی دکتر حسن ملکی رفتیم و از ایشان خواستیم در مورد مهارت‌های زندگی برای ما صحبت کنند.



زندگی انسان بر سه پایه استوار است: مهارت‌ها، دانش‌ها، و ارزش‌ها.

ولی این مهارت‌ها هستند که رکن اصلی یک زندگی پویا محسوب می‌شوند و اگر حذف شوند، تنها دانش‌ها و حفظیات برای شخص باقی می‌مانند که آن‌ها هم، به تنهایی و بدون مهارت‌های زندگی نمی‌توانند انسان را در مسیر درست رو به جلو پیش ببرند.

در واقع، معلولیت‌ها در انسان‌ها به دو صورت هستند: ۱. جسمانی؛ ۲. تربیتی.

معلولیت تربیتی به صورت نبود مهارت‌های زندگی در یک فرد بروز می‌کند که خوش‌بختانه معلولیتی قابل معالجه است. فردی معلولیت تربیتی دارد که در مقابل عوامل محیطی به‌طور فعال عمل نکند و عمل و اراده، محور زندگی او نباشد. همان‌طور که معلولیت جسمانی یک سلسله محدودیت‌ها برای فرد به همراه می‌آورد، فردی که دارای معلولیت تربیتی است هم محدودیت‌هایی دارد و نیازمند توجه خاص دیگران است.

مهارت‌ها در زندگی جایگزین ندارند و نمی‌توان جای خالی آن‌ها را با علم و دانش پر کرد. مهارت‌ها با تمرین و ممارست به دست می‌آیند.

سه دسته مهم مهارت‌ها شامل مهارت‌های فردی، مهارت‌های اجتماعی، و مهارت‌های علمی می‌شوند.

مهارت‌های زندگی مجموعه‌ای از توانایی‌هایی هستند که به انسان قدرت می‌دهند، بتواند ارتباطاتش را با خود، طبیعت و سایر انسان‌ها به صورتی برقرار کند که یک زندگی با عزت، معقول و منطقی داشته باشد.

یادگیری مهارت‌ها سهولت و راحتی، و آگاهی و توانایی را در زندگی به ارمغان می‌آورد.





مهارت‌های فردی

در زندگی هر فردی، قبل از اینکه او بخواهد مهارت ارتباط با دیگران را در خود بهبود بخشد، باید ابتدا مهارت فردی داشته باشد. یعنی به خودشناسی دست پیدا کند و بتواند خودش را مدیریت کند. هر فردی اول باید بداند کاستی‌های شخصیتی‌اش کدام‌اند تا بتواند آن‌ها را برطرف کند. نقاط ضعف را اول باید شناخت تا بتوان آن‌ها را به نقاط قوت تبدیل کرد.

همه ما باید «مهارت مقابله با اضطراب» را برای مقابله با فشارهای روانی و عاطفی یادگیریم. همچنین، همه انسان‌ها نیازمند **مهارت اندیشیدن و مهارت تصمیم‌گیری** در زندگی‌شان هستند. یادگیری مهارت‌های فردی در آینده جلوه اجتماعی هم برای ما به همراه خواهد داشت و در ارتباط‌های اجتماعی هم کمک می‌کند فرد موفق‌تری باشیم.

مهارت‌های علمی

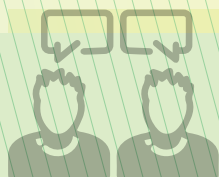
همه ما در زندگی محتاج علم هستیم. از ساده‌ترین مهارت‌های علمی در زندگی، مهارت آداب مطالعه کردن و مهارت روش تحقیق هستند.

در دنیای پر از فناوری امروز، انسانی که پژوهشگرانه و با تحقیق زندگی نکند، آسیب می‌بیند. به راحتی فریب فناوری را می‌خورد و مسیر درست را پیدا نمی‌کند. در قرآن مجید هم آمده است که از ظن و گمان پیروی نکنید. پس مهارت پژوهش بر هر فردی واجب است. مهارت‌های علمی دیگر شامل این مهارت‌ها می‌شوند:

مهارت‌های سیاسی: هر فردی، برای رأی دادن، چه در مدرسه و چه در زندگی اجتماعی خود، به این مهارت‌ها نیاز دارد. **مهارت‌های اقتصادی:** هنرهای برقراری تعادل بین دخل و خرج هستند.

مهارت‌های تصمیم‌گیری و روش تحقیق: هر فردی در سن دبیرستان برای داشتن هدایت تحصیلی موفق و انتخاب رشته به آن‌ها نیاز دارد.

در نهایت بدون مهارت‌ها انسان آسیب می‌بیند و در زندگی محتاج دیگران است.



مهارت‌های اجتماعی

انسان‌ها در خانواده به دنیا می‌آیند و خانواده اولین نهاد اجتماعی است. پس انسان‌ها از ابتدا موجوداتی اجتماعی هستند و به یادگیری مهارت‌های اجتماعی، مثل **مهارت‌های گفت‌وگو، همدلی و همکاری** نیاز دارند.

افراد در زندگی اجتماعی به چهار دسته مهم تقسیم می‌شوند:

دسته اول افرادی هستند که در اجتماع هضم می‌شوند. یعنی از خودشان اراده کمی دارند و در جمع ذوب می‌شوند و نمونه عملی این ضرب‌المثل هستند که: «خواهی نشوی رسوا، هم‌رنگ جماعت شو.»

دسته دوم افراد گوشه‌گیر و اجتماع‌گریز هستند. در شرایط افراطی، این اجتماع‌گریزی نوعی بیماری محسوب می‌شود و به درمان نیاز دارد.

دسته سوم افراد اجتماع‌ستیزند که اهل خشونت و درگیری و دعوا هستند.

دسته چهارم اجتماع‌گرا هستند. این افراد مهارت‌های اجتماعی را بلدند و برخلاف دسته‌های دیگر مناسبات معقولی با دیگران برقرار می‌کنند. آنان با مهارت‌های اجتماعی که فرا گرفته‌اند، خودشان را مدیریت می‌کنند.

